

CHICRA

تاریخ

ملل شرق و یونان

تالیف

آلمر ماله و دول ایزاک

ترجمه

آقای میرزا عبدالحسین خان هژیر

از نشریات کیمپتون، مدار خا

هنر و صنعت، خا

مطبعه

۱۳۰۰

قیمت مطبوع ۱۴ قران

نام خداوند بخشنده مهربان

در اواخر سال ۱۳۰۲ موقعی که اعلیحضرت همایون شاهنشاهی خدادانه ملکه زمامدار امور ریاست وزراء و آقای سلیمان میرزا وزیر معارف بودند برای مساعدت بانشر معارف باسرا و اشاره مقام ریاست وزراء هیئتی مرکب از ده نفر باسهم کمسیون معارف از آقایانیکه اسامی آنها در صفحه مقابل ذکر میشود معین و منتخب شد تا درین امر تبادل نظر نموده اقدامی را که مفید و لازم میدانند بکنند هیئت مزبور پس از مطالعات لازمه نظامنامه نوشت که بامضاء مقام ریاست وزراء رسید و اجراء شد. کمسیون مقتضی دانست بطوریکه در نظامنامه مقرر است اعانه هائی جمع آوری کند و آنرا در امور معارفی عام المنفعه بطور الهم فالاهم بترتیبی که کمسیون به نسبت وجوه جمع آوری شده مقتضی بداند صرف نماید. برای مقاصد فوق در ابتدای کار مبلغ هشت هزار و نهصد و هفتاد و سه تومان و ده شاهی اعانه جمع آوری گردید و مطابق نظامنامه در بانک گذاشته شد تا در موقع لازم بترتیب مقرر بمصرف برسد. کمسیون قبلاً در نظر گرفت وسایل تألیف و ترجمه بعضی از کتب مفید که قابل استفاده محصلین مدارس و سایرین باشد فراهم و از محل اعانه جمع آوری شده بطبع رسانیده منتشر نماید کتبی که تاکنون از طرف کمسیون تألیف یا ترجمه شده و بطبع رسیده بقرار ذیل است :

- ۱ - کتاب الغباء تألیف آقای حاج مهدی قلی خان هدایت .
- ۲ - کتاب قرائت برای سال اول مدارس « «
- ۳ - کتاب رهنمای آموزگاران « «
- ۴ - کتاب اصول تعلیم و تربیت ترجمه و تألیف آقای میرزا عیسی خان صدیق .
- ۵ - کتاب سخن و سخنوران تألیف آقای بدیع الزمان .

بغير از کتاب هائی که اسم برده شده کمیسیون معارف لوازم ترجمه يك دوره تاريخ عمومي را هم از عهد قديم تا دوره معاصر فراهم نموده و اينك جلد اول آن که راجع بتاريخ (ملاي شرق و يونان) است از نظر خوانندگان محترم ميگذرد بقيه هم بتدریج طبع و منتشر خواهد شد .

نایب رئیس کمیسیون معارف احمد سعیدی

تیرماه ۱۳۰۹



اسامی اعضاء اوليه کمیسیون معارف به ترتیب حروف تهجی نام خانوادگی آقایان

آقای حاج میرزا یحیی دولت آبادی	آقای سلیمان میرزا اسکندری
آقای میرزا محمودخان علامیر (احتشام السلطنه)	آقای میرزا احمد خان بیدر (نصیرالدوله)
آقای دکتر محمدخان مصدق (مصدق السلطنه)	آقای میرزا حسنخان پیرنیا (مشیرالدوله)
مرحوم میرزا اسماعیلخان مرتضائی (ممتاز الملک)	آقای میرزا حسینخان پیرنیا (مؤمن الملک)
آقای حاج مهدیقلی خان هدایت (نخبر السلطنه)	آقای میرزا سید محمد خان تدین

اسامی اعضاء فعلی کمیسیون معارف به ترتیب فوق

آقای میرزا ابراهیمخان حکیمی (حکیم الملک)	آقای سلیمان میرزا اسکندری
آقای میرزا احمد خان سعیدی	آقای میرزا یوسفخان اعتصامی (اعتصام الملک)
آقای ارباب کیخسرو شاهرخ	آقای میرزا احمد خان بیدر (نصیرالدوله)
آقای میرزا محمودخان علامیر (احتشام السلطنه)	آقای میرزا حسنخان پیرنیا (مشیرالدوله)
آقای حاج مهدیقلیخان هدایت (نخبر السلطنه)	آقای میرزا سید حسن خان نقی زاده

مقدمه

ازمنهٔ ماقبل تاریخ و آغاز تاریخ

I

۲		
۳	ازمنهٔ ماقبل تاریخ
۴	تقسیمات ازمنهٔ ماقبل تاریخ
۴	طول مدت ازمنهٔ ماقبل تاریخ
۵	اوایل عهدسنگ تراشیده
۷	زندگی انسان در غار
۷	عهد سنگ صقلی
۸	شهر در میان آب
۸	دلبن و مین هیر
۹	فازکاری
۱۰	عهد فاز
۱۰	تغییر نشیمن در ازمنهٔ ماقبل تاریخ

II

۱۱	آغاز تاریخ
۱۱	تغییر نشیمن در ازمنهٔ تاریخی
۱۲	تمدنهای اصلی
۱۳	مذنبیت شرق اقصی

فصل اول

کشف مصر قدیم . مملکت و مردم مصر .

I

۱۵	کشف مصر قدیم
۱۵	روایات قدیمه در باب مصر
۱۶	کشف هیروگلیف
۱۷	کشف مصر قدیم
۱۸	علمای معرفت مصر

II

۱۸	مملکت و مردم مصر
۱۸	مصر و نیل

صفحه	فهرست مندرجات
۲۰	طغیان نیل
۲۲	تمرّ معاش مردم
۲۳	مردم مصر
۲۴	زندگانی، مسکن، پوشاک
۲۵	فصل دوم
	تاریخ فراغنه منقیس و تب
۲۵	تشکیل دولت مصر
۲۶	تقسیم تاریخ مصر
۲۷	دولت قدیم منقیس
۲۸	اهرام
۲۹	دولت وسطی
۳۰	دولت تازه تب
۳۱	فتوحات مصر
۳۲	توتامس سوم
۳۲	رامسس دوم
۳۲	تنزل مصر
۳۵	نشور سائیس
۳۶	اهل یونان در مصر
۳۷	غلبه ایرانیان
۳۸	فصل سوم
	تمدن مصر
	I
۳۸	اعتقادات مذهبی
۳۸	مذهب مردم مصر
۳۹	حیواناتیکه صاحب مقام الوهیت شده اند
	آفتاب پرستی
۴۰	افسانه اوزیریس
۴۱	آمن رع ربّ اعلی
۴۲	حنوط کردن اموات
۴۳	مقابر
	محاکنه و حساب اموات

صفحه	فهرست مندرجات
	II
۴۵	حکومت . مردم . روحانیون .
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
	III
۵۰
۵۱
۵۲
۵۳
۵۴
۵۵
۵۶
۵۷
۵۸
	فصل چهارم
	کلده و آشور . سلاطین بابل و نینوا
	I
۵۸	کشف مدنیت های قدیم - مملکت و مردم
۵۸
۵۹
۶۱
۶۲
۶۳
	II
۶۲
۶۲

تقسیم تاریخ کلده و آشور

فهرست مآثرجات

صفحه

۶۴

۶۵

۶۶

۶۸

شومیر و اگد
خاصیت دولت قدیم
دولت قدیم بابل
جمهورایی
هجوم بنحاک کلدی

III

۶۹

۶۹

۷۰

۷۲

۷۴

۷۵

۷۶

کشور گشایان آشور - دولت جدید کلدی

ظهور قدرت آشور
قشون آشور
کشور گشایان آشور
عادات و اخلاق سلاطین آشور
بی ثباتی دولت آشور
نشور بابل
غزیه ایران

فصل پنجم

تمدن کلدی مذهب علوم صنایع

I

۷۶

۷۶

۷۷

۷۸

۸۰

۸۱

۸۲

مذهب و علوم

خصوصیات تمدن کلدی
مذهب کلدی
خواص خدایان
اساطیر کلدی
شیاطین و جادوگری
علم احکام
علم مردم کلدی

II

۸۲

۸۳

۸۳

۸۴

قصور آشور

کنار کردن آجر
آثار پاینده
قصور سلطنتی

صفحة	فہرست مندرجات
۸۵	حجاری تنزیلات
۸۶	اہمیت منیت کلمہ
۸۶	فصل ششم
	ملت یہود شیوخ . موسی . قضاة .
۸۷	فلسطین
۸۸	ملت یہود توریة
۸۹	شیوخ
۹۰	بنی اسرائیل در مصر
۹۱	خروج بنی اسرائیل از مصر
۹۳	موسی و گوسائے زر قوانین موسی
۹۵	ورود بارض میعاد
۹۶	گدعون و یفتاح
۹۷	سمتون و فلسطیان
۹۸	شوشین و سلطنت
۹۹	فصل ہفتم
	داود . سلیمان . انفکاک . پیغمبران .
۹۹	اوایل سلطنت
۱۰۱	داود در اورشلیم قشون و جنگ
۱۰۲	طغیان آیشانوم سلیمان و سلطنت
۱۰۳	بسط تجارت معبد اورشلیم (مسجد اقصی)
۱۰۴	اشتہار سلیمان بعدالت و تجمل
۱۰۵	انفکاک دولت اسرائیل
۱۰۶	دولت یہود سلاطین و کھنہ اعظم
۱۰۷	پیغمبران

صفحه	فهرست مندرجات
۱۰۹	دین یهود و دین عیسی
۱۰۹	فصل هشتم
	مردم فنیقیه - صیدا - صور - کار تاز.
۱۱۰	{ فنیقیه
	{ تاریخ فنیقیه
۱۱۱	دوره صیدا
۱۱۲	دوره صور
۱۱۳	{ دوره کار تاز
	{ بحریه فنیقیه
۱۱۴	مسافرنهای طولانی
۱۱۶	{ خصوصیات دریانوردی مردم فنیقیه
	{ آباد کرده های ملاحان فنیقیه
۱۱۷	تجارت فنیقی
۱۱۸	صنعت فنیقی
۱۱۹	الفبا
۱۲۰	{ مذهب مردم فنیقیه
	{ مقام مردم فنیقیه
۱۲۱	فصل نهم
	مردم ایران - اقوام عیلام و مد و پارس
	I
۱۲۱	دولت عیلام - شاهنشاهی ایران
۱۲۱	فلات ایران
۱۲۲	مردم عیلام
۱۲۳	{ اقوام مد و پارس
	{ دولت مد
۱۲۴	کوروش کشورستان پارس
۱۲۵	افسانه کوروش
۱۲۶	داربوش
۱۲۷	{ قشون ایران
	{ نظم و نسق در مملکت ایران
۱۲۹	{ خراج
	{ شاهنشاه

II

مذهب و صناعت ایران

۱۳۰	مذهب ایران
۱۳۰	پرستش آتش
۱۳۱	اخلاق ایران
۱۳۲	تدفین و حساب
۱۳۲	عادات و رسوم ایرانیان
۱۳۴	صناعت ایرانیان
	تخت جمشید
۱۳۵	حجاری و تزیینات
	خصوصیات تمدن ایران

فصل دهم

یونان قدیم سواحل و جزایر دریای اژه

۱۳۷	اهمیت تاریخ یونان
	شبه جزیره یونان
۱۳۸	چپال
۱۳۹	ممالك معتبر یونان
	بر یونان
۱۴۰	آتیک
۱۴۱	فلویونز
۱۴۲	دریا و سواحل
	جزایر یونان
۱۴۴	آب و هوا و مردم معاش
	مردم

فصل یازدهم

تمدن های قدیم یونان کریت و میسین

۱۴۶	تاریخ یونان
۱۴۷	کشف تمدن های ماقبل قوم هینن
		1
۱۴۷	مدنیّت کریت
۱۴۷	دولت کریت

۱۴۸	مردم و عادات و اخلاق
۱۴۹	بازیها
۱۵۰	صناعت کزیت
۱۵۲	خرابی تمدن کزیت

II

۱۵۲	تمدن میسن	جنگ تروآ
۱۵۲	نخستین سکنه یونان	
۱۵۳	میسن و تمدن آن	
	آثار پاینده میسن	
۱۵۴	حمله قوم دروس	
۱۵۵	منظومه هومر	
۱۵۶	ایجاد ادبیه	
۱۵۷	داستانهای هومر و تاریخ	

فصل دوازدهم

خدایان و پهلوانان افسانه‌های یونان

I

۱۵۹	خدایان
۱۵۹	منهب یونان
۱۶۰	خداوندان نخست
۱۶۱	زئوس
۱۶۲	خداوندان آسمان
۱۶۳	خداوندان دریا
	خداوندان زمین
۱۶۴	خداوندان زیر زمین
۱۶۵	خداوندان کار
۱۶۶	خداوندان دوازدهگانه الهیه

II

۱۶۷	پهلوانان
۶۷	پرسایشان اجداد

صفحه	فهرست مندرجات
۱۶۸	هراگلیس
۱۶۹	تزر
۱۷۰	ادیب
۱۷۱	راژن و مسافرین کشتی «آرگو» خانواده آترید
۱۷۲	افسانه خلقت بشر
۱۷۳	گنه اساطیر
۱۷۴	فصل سیزدهم
	مهاجرین یونان اماکن مقدسه و بازیهای بزرگ
	I
۱۷۴	بسط یونان
۱۷۴	آبادی کردن مردم یونان
۱۷۵	سبب بسط آبادیهای یونان
۱۷۶	ریختن شالوده آبادی
۱۷۷	خواص آبادیهای یونان
۱۷۸	آبادیهای یونان در آسیای صغیر
۱۷۹	تول و مدنیت ایونی
۱۸۰	آبادیهای یونان در بحر اسود یونان کبیر
۱۸۱	آبادیهای یونان در افریقا و مغرب
	II
۱۸۲	مراسم مشترک عابین یونانیان اماکن مقدسه و بازیهای بزرگ
۱۸۲	جامعه یونان
۱۸۳	عبادت
۱۸۴	تقارن هائف
۱۸۵	هائف دلف
۱۸۶	شفای مرضی در اپیدورا بازیهای بزرگ
۱۸۷	جشنهای آلمبی
۱۸۸	جشنهای دیوس
۱۸۹	آنیکتیونی

صفحه	فهرست مندرجات
۱۹۰
۱۹۱
	فصل چهاردهم
	اسپارت . قوانین لیکورگ
۱۹۱
۱۹۲
۱۹۳
۱۹۴
۱۹۵
۱۹۶
۱۹۸
۱۹۹
۲۰۰
	فصل پانزدهم
	آتن - اصلاحات سولون و کلیستین
۲۰۱
۲۰۲
۲۰۳
۲۰۴
۲۰۵
۲۰۶
۲۰۷
۲۰۸
۲۰۹
۲۱۰

صفحه	فهرست مندرجات
۲۱۰	فصل شانزدهم جنگهای مدی اقوام یونان بر ضد ایرانیان
۲۱۱	اسامی جنگهای مدی
۲۱۲	دو حریف
۲۱۳	تقسیمات جنگهای مدی
I	
۲۱۴	ماراٲن . سالامین . پلاته
۲۱۳	جنگ اول مدی
۲۱۴	جنگ ماراٲن
۲۱۵	تیمستوکل و آریستید
۲۱۶	بحریهٲ آتن اردو کشی خشایارشا
۲۱۷	لئونیداس در ترموپیل
۲۱۸	تسخیر آتن جنگ سالامین
۲۲۰	پلاته و میکال
II	
۲۲۱	فرمانروائی مطلق آتن در دریا
۲۲۱	کناره گیری اسپارت
۲۲۲	تفوق آتن عهد دلس
۲۲۳	سیمون زاندن ایرانیان از دریای ریزه
۲۲۴	تبدیل عهد دلس بفرمانروائی مطلق آتن
۲۲۵	اصلاح آرتو یاز اختلاف با اسپارت
۲۲۶	آخرین اردو کشی سیمون صلح کانیاس
۲۲۷	آرامش یونان
۲۲۷	فصل هفدهم
۲۲۷	آتن در عهد پریکلس . حکومت عامه در آتن
۲۲۸	آتن بعد از جنگهای مدی پریکلس

۲۳۰ حکومت پریکلس

I

۲۳۰ مردم آتن . افراد ذیحقوق . سکنه خارجی الاصل . بندگان

۲۳۰ حکومت و مردم

۲۳۱ صاحبان حقوق محصلین فن نظام
 قوت عند صاحبان حقوق

۲۳۲ سکنه خارجی الاصل
 بندگان

۲۳۳ اداره مستقیم بلد

۲۳۴ محضر ملت

۲۳۵ شوری و اولیای امور

۲۳۶ قضاة

۲۳۷ اجرت
 متابع واردات

۲۳۸ حیازت مواقع مینه
 اهالی آتن . وضع حکومت .

۲۳۹ فصل هجدهم

آتن در عهد پریکلس خانواده . عادات و اخلاق . کار .

I

۲۳۹ خانواده در آتن

۲۳۹ منصب خانوادگی

۲۴۰ ایام صباوت تربیت

۲۴۱ علت غائی تربیت

۲۴۲ عروسی
 زندگی خانوادگی

۲۴۳ بخت سیردن اموات

II

۲۴۴ آداب و رسوم و کار

۲۴۴ شهر
 منزل
 لباس

صفحه	فهرست مندرجات
۲۴۵	خود آرائی خوراك
۲۴۶	وضع معاش رعایا
۲۴۷	كار در شهر
۲۴۸	انتفاع از دریا
۲۴۹	بستره
۲۵۰	فصل نوزدهم
	هنر و ادب در یونان . شاهکارهای مائة پنجم
۲۵۰	کمال هنر در یونان معبد در یونان
۲۵۱	سبکهای سه گانه معماری
۲۵۲	حجاری
۲۵۳	نقاشی و کوزه گری مقام آتن . پریکلس و فیدیس
۲۵۵	ابنیه پاینده آتن . آکروپول
۲۵۶	اعباد آینه
۲۵۷	ظهور تئاتر نمایش
۲۵۸	تئاتر نویسان
۲۵۹	مورخین
۲۶۱	عتلاء
۲۶۱	فصل بیستم
	جنگ پلوپونز . اسپارت بر ضد آتن
۲۶۲	حالت جنگ پلوپونز
۲۶۳	بسط و کیفیت جنگ تسببات جنگ
۲۶۴	دوره اول . بروز طاعون در آتن
۲۶۵	کلیه ثون و نپسیاس
۲۶۶	وفعه اسفاگیری
۲۶۷	صح نپسیاس
۲۶۸	دوره دوم . آسیباید

صفحه	فهرست مندرجات
۲۶۹	اردو کشی سیدیل { مصیبت
۲۷۰	دوره سوم
۲۷۱	مقاومت آتن { لیژاندر، سقوط آتن
۲۷۲	علل شکست آتن
۲۷۳	فصل بیست و یکم
	جنگ تازه تب بر ضد اسپارت
۲۷۴	طغاة سی گانه در آتن
۲۷۴	سقراط
۲۷۵	مخاکمه و مرگ سقراط
۲۷۶	استیلای اسپارت
۲۷۷	اردو کشی ده هزار نفره
۲۷۸	اردو کشی آرزویلاس
۲۷۹	جنگ تازه در یونان
۲۸۰	اسپارت و تب { استخلاص تب
۲۸۲	فتوحات و مرگ اپامینتداس
۲۸۳	ضعف قوای یونان
۲۸۳	فصل بیست و دوم
	فیلیپ و دیموستن استیلای مقدونیه
۲۸۴	مقدونیه
۲۸۵	فیلیپ پادشاه مقدونیه { قتل مقدونی
۲۸۶	زبان بازی فیلیپ
۲۸۷	آتن و دیموستن
۲۸۸	بشرفت فیلیپ بسمت دریا { اولین جنگ مقدس
۲۸۹	نظمهای دیموستن
۲۹۰	فتوحات تازه فیلیپ
۲۹۱	جنگ کرونه

۲۹۲	نقشه فیلیپ . مرگ او
۲۹۳	فصل بیست و سوم اسکندر . فتح آسیا .
۲۹۴	اسکندر اسکندر سیهسالار قشون یونان
۲۹۵	قشون مقدونیه و ایران
۲۹۶	تسخیر سواحل آسیای بحر الرّوم
۲۹۷	اسکندر در مصر
۲۹۸	زوال شاهنشاهی ایران
۲۹۹	تسخیر آسیای شمالی اردو کشی بهند
۳۰۰	رجعت سیاحت سیاست خارجه
۳۰۱	تشکیل دولت شاهنشاهی
۳۰۲	کنکاش و شورش
۳۰۳	مرگ اسکندر
۳۰۴	فصل بیست و چهارم عالم یونان بعد از اسکندر رواج آداب و سنن قوم هلین در مشرق زمین
۳۰۴	تجزیه مملکت اسکندر
۳۰۴	دوره تمدن هلنیستیک
۳۰۵	صل تجزیه ممالک اسکندر وحدت موقتی
۳۰۶	مرگ دیموسین
۳۰۷	عاقبت تجزیه
۳۰۸	سلطنت بطالمه در مصر سلسله سلوکید در آسیا
۳۰۹	قطعه قطعه شدن آسیا
II	
۳۰۹	تمدن هلنیستیک
۳۰۹	انبساط تمدن هلین

۳۱۰	اسکندریه
۳۱۱	موزه نویسندگان اسکندریه
۳۱۲	پیرگام
۳۱۴	اڈاکیه

فصل بیست و پنجم

خاتمه استقلال یونان . غلبه روم

۳۱۵	یونان در ماه سوم و دوم قبل از میلاد کشکش اغنیاء و فقراء
۳۱۶	اشعاریه های اتونی و آکائی
۳۱۷	آراتوس
۳۱۸	رقابت اهالی آکائی و اسپارت
۳۱۹	مداخله اول روم اعلان استقلال یونان
۳۲۰	دخالت ثانوی روم فیلوپین
۳۲۱	زوال دولت مقدونیه
۳۲۲	آخرین مبارزه
۳۲۳	زوال یونان
۳۲۴	استیلای روم تأثیر تمدن یونان

خلاصه

I

ازمنه ماقبل تاریخ

II

ملل شرقی مردم مصر

۳۲۵	افروام کلبه و آشور
۳۲۶	ملت یهود
۳۲۷	مردم فنیقیه
۳۲۸	ایرانیان

III

مردم یونان تمدن گریت

۳۲۹

۳۲۹

۳۳۰

۳۳۱

۳۳۲

۳۳۳

۳۳۵

۳۳۶-۳۳۷

۳۳۸-۳۳۹

۳۴۰-۳۴۱

۳۴۲ تا ۳۴۵

۳۴۶

قوم هلن در آغاز
انبساط و انکشاف یونان
مقامات مذهبی
اسپارت و آتن
جنگهای مدی
اداره پریکلس
رقابت بلاد یونان
فیلیپ مقدونیّه
فتوحات اسکندر
مکاتک هینستیک
خاتمه استقلال یونان

جدول اعصار مهمه

جدول حوادث تاریخی مصر:

دولت قدیم دولت وسطی دولت جدید دوره هرج و مرج
دولت سائیس

جدول حوادث تاریخی کلدیه و آشور:

شومیر و اکد دولت قدیم بابل کشور سنان آشور دولت جدید کلدیه

جدول حوادث تاریخی یونان:

آغاز تاریخ جنگهای مدی و قلمرو وسیع آتن جنگ بلاد یونان بر سر
فرمانروایی استیلای مقدونیه و تسخیر آسیا مکاتک هینستیک و خاتمه
استقلال یونان

مقایسه حوادث مهمه مشرق زمین و یونان:

مصر بین النهرین شام ایران یونان

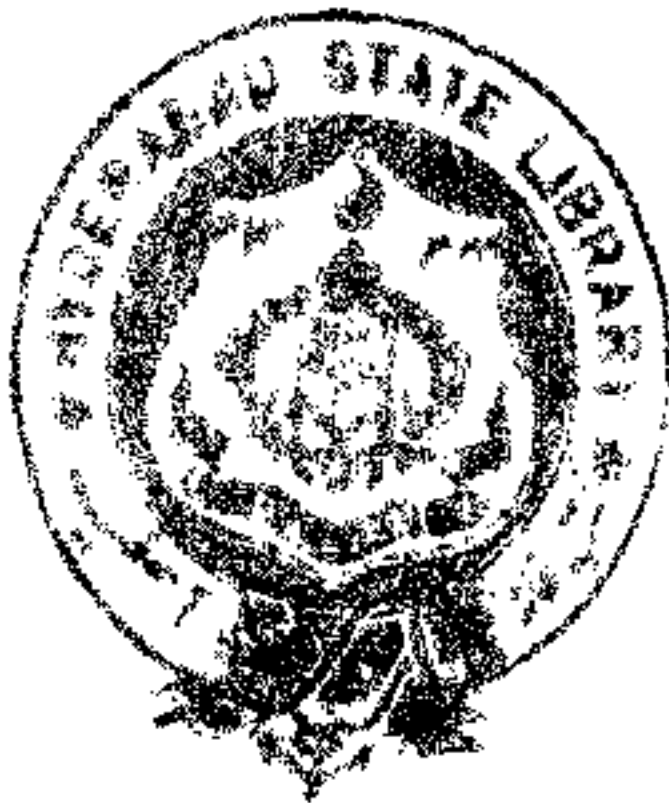
مقادیر و اوزان و نقود متداوله در آتن:

طول سطح حجم (جامدات) حجم (مایعات) اوزان نقود

۱۴	مقایسهٔ انوار مدینیت و تاریخ معتبرترین اقوام دنیای معلوم تا میلاد مسیح
۱۶	خرابه‌ای از ابنیهٔ مصر در کرناک که با خط هیروگلیف روی سنگهای آن نوشته‌اند
۳۴	رامسس دوم
۴۸	تصویر دیوران که به نویسندگی مشغول‌اند
۸۴	گاو بالداری که از مصر سازگن آورده و در موزه لوور قرار داده‌اند
۱۱۶	نقشهٔ آباد کرده‌های فنیقیه
۱۲۰	تصویر بعل که از گِل پخته ساخته شده است
۱۲۴	پیاده نظام مد و یارس
۱۲۶	نقشهٔ مملکت شاعنشاهی ایران
۱۲۸	نقوش برجستهٔ بیستون
۱۳۴	مقبرهٔ داریوش در نقش رستم
۱۳۴	خرابهٔ قسمتی از قصر خشایارشا در تخت جمشید
۱۶۲	صورت زئوس
۱۸۰	نقشهٔ آبادیهای یونان
۱۸۶	تصویر لایبتی
۲۵۲	سبکهای سه گانهٔ معماری
۲۷۴	تصویر سقراط
۲۹۸	نقشهٔ اردو کشی اسکندر کبیر

تاریخ

ملا شرق و یونان



بِسْمِ اللَّهِ

مقدمه

ازمنه ماقبل تاریخ و آغاز تاریخ

در مدت هزاران سال زمین مسکن مردمانی بوده که ما سرگذشت آنانرا نمیدانیم و از زندگیانشان آگاه نیستیم مگر بواسطهٔ خرد و ریز اسلحه و دست افزارها و استخوانها که از آنها باقی مانده است .

این دورهٔ طولانی که در طی آن گروهی چند باهستگی دست از زندگی وحشیانه کشیده و بمران و تمدن رسیده اند ازمنهٔ ماقبل تاریخ نامیده میشود .

ابتدای ازمنهٔ تاریخی موقعی است که استعمال فلزات و اختراع خط آغاز ازمنهٔ تاریخی را نشان میدهد . نوع انسان از اوایل دورهٔ ماقبل تاریخ همواره در صدد تغییر منزل و مکان بوده و از این مهاجرتها کشمکشها برخاسته و اختلاط اقوام بظهور آمده و در ازمنهٔ تاریخی تشکیل و تخریب سلطنتها را فراهم کرده است .

ازمنه موضوع تاریخ نقل و روایت کارهای مردمانی است که پیش از ما زندگانی کرده اند. تاریخ شرح وقایع گذشته میباشد. نقل و بیان حوادث گذشته منوط بوجود آثار و علاماتی است که از آن روی بتوان آنها را شناخت و زمان وقوع را معین کرد مثل آثاری که در کتیبه يك بنای قدیم یا در عبارت يك کتاب کهنه موجود باشد کتیبه ها و کتب قدیمه را اسناد کتبی می نامند.

چون بدون اسناد کتبی شناسائی تاریخ میسر نیست بالضروره تاریخ بعد از اختراع خط وجود یافته است.

با اینهمه پیش از آنکه اصلاً خطی اختراع شود هزاران سال در روی زمین مردمانی سکنی داشته اند که راه اطلاع ما بر احوال ایشان منحصر باشیائی چند مانند حربه و افزار و استخوان است که از ایشان باقیمانده و در زیر خاک یا درون غارها مدفون شده و امروز بیرون آمده است. این دوره طولانی که تا شروع ازمنه تاریخی از عمر انسان گذشته است ازمنه ماقبل تاریخ نامیده میشود.

تقسیمات با وجود بی جوئی و کوشش زیادی که بکار رفته آنچه تا کنون از اوضاع ازمنه ماقبل تاریخ معلوم شده بسیار ناچیز است زیرا از تیر و تبر شکسته یا استخوان پوسیده ای که جسته گریخته پیدا شود جز بعضی راهنمایی های مبهم و ناتمام چیزی بدست نمی آید.

اغلب مردمانی که در آن ازمنه دیرینه زندگانی میکردند از صفحه روزگار محو شده اند در صورتیکه هیچ اثری از خود بیادگار نگذاشته اند. با وجود این يك نکه در همه جا یکسان مشهود افتاده که از اسلحه و آلات آنچه در سرزمین های خیلی قدیمی یافت شده تقریباً همه از سنگ است و کم و بیش تراش دارد. بهمین جهت قدیم ترین دوره ازمنه ماقبل تاریخ را عهد سنگ تراشیده نام نهاده اند. در زمینهای تازه تر علاوه بر اشیائی که از سنگ تراشیده ساخته شده اشیاء دیگری

نیز پیدا کرده اند که از سنگ صیقلی است. از اینجا معلوم میشود که چون عهد سنگ تراشیده سپری شد نوبه بعهد سنگ صیقلی رسید. خاک کھائی که بعصر ما نزدیکتر میباشد گذشته از اشیاء سنگی مقداری اشیاء فلزی هم در بر دارد که از آنها آنچه کهنه تر است از مس یا مفرغ میباشد و آنچه تازه تر است از آهن ساخته شده. بنابراین عصر سنگ چون دور خود را پیاپیان بر دجای خود در ابصر فلز و گذاشت. عهد فلز نیز در جاتی داشته: اول عصر مس پس از آن عصر مفرغ و عاقبت عصر آهن بعضی اقوام هنوز عصر مس را بسر نرسانده بودند که خط را اختراع کرده اند. باین ترتیب از منتهی ما قبل تاریخ اقوام مزبور همین جا خاتمه می پذیرد و دوره تاریخی از این بعد شروع میشود.

طول مدت این نکته را باید خاطر نشان کرد که طول مدت از منتهی ماقبل تاریخ و ادوار مختلف آن بالنسبه بعموم بشر یکسان نبوده است بلکه بعضی مردم با از آنجهت که خود بنفسه مستعدتر بوده اند و یا بعلت اینکه احواز و کیفیات با آنها مساعد بوده مر احل ترقی را بالنسبه بدیگران کم و بیش زودتر دیده اند. از آنطرف امروز مشق مردم وحشی در افریقا و آمریکا و استرالیا و اوقیانوسیه روزگار میگذرانند که اگر پای اروپائیهها بخاکشان باز نشده بود هنوز هم از طرز زندگی انسان عهد سنگ تراشیده یا سنگ صیقلی خلاص نشده بودند بدین لحاظ در باب طول مدت از منتهی ماقبل تاریخ اقوام متمدنه بقطع چیزی نمیتوان گفت. آنچه محقق است نیل بسر منزل عمران و تمدن خیلی کار داشته و بس دیر انجامیده است در میان ادوار مختلفه عهد سنگ تراشیده بمراتب درازتر بوده تا آنجا که بگمان بعضی از دانشمندان شاید بیش از صد هزار سال طول کشیده باشد ولی ادوار دیگر رفته رفته کوتاه تر شده تندتر گذشته است.

آغاز عهد سنگ صیقلی شاید در مشرق زمین بدوازده هزار سال و در اروپا بهفت هزار سال قبل از میلاد مسیح برسد (۱)

(۱) - سنین از منتهی ما قبل تاریخ همه تخمینی است نه قطعی و بی

سرزمینهای مانند کلد و مصر که در قدمت تمدن بدیگر آن سبقت دارد علی الظاهر باید از چهار پنج هزار سال قبل از میلاد مسیح عهد مس و مفرغ را شروع کرده باشد تاریخ این ممالک نیز از همین عصر شروع میشود.

اوایل عهد در عصر قدیم ترین مردمی که آثارشان بالفعل در دست میباشد سطح کره زمین البته صورتی غیر از آنچه امروز دارد داشته است. خشکیها و دریاها شکلی دیگر داشته اند و آب و هوا هم طور دیگر بوده آب و هوای منطقه معتدله لابد گرم تر بوده است زیرا حیواناتی در آنجا زیست میکردند شبیه بحیواناتی که امروز در افریقا دیده میشود از قبیل فیل و کرگدن و اسب آبی و ببر عظیم الجثه ای که دندانهای بلند و برنده و بشکل تیغه شمشیر بر گشته داشته است مردمان آنروز که محققاً هم با یکدیگر و هم با انسان امروز تفاوت داشته اند عموماً وحشی بوده و برای اینکه جان خود را از آسیب نوع خویش یا حیوانات درنده حفظ نمایند یا اینکه خوراکی بجهت سدّ جوع تدارک کنند پیوسته در جنگ و جدال بوده اند با وجود این دو اختراع مهم کرده بودند یکی افر و ختن آتش که تمام ترقیات بشر برکت وجود آن صورت پذیرفته و دیگر تراش دادن سنگ و بالخاصه سنگ چخماق که هر چند خیلی سخت است ولی باسانی تراش میگردد و با خطرات آسبهای تند و برنده میشکند. یگانه حریره اصلی انسان این عهد سنگ چخماقی است که بشکل بادام تراش بر داشته : از یکسو نوك تیزی دارد. از سوی دیگر مدور است و از دو جانب برنده و چون در مشت قرار گیرد برای ضربت بکار میرود.

در اروپای غربی و آسیا و آمریکای شمالی و افریقا و حتی در صحاری آن از از این گونه سنگها پیدا شده است.

زندگی انسان در غار چندین هزار سال بهمین مشوال گذشت تا اینکه آب و هوا عوض شد و سرما فر مانروائی یافت. علت این تغییر معلوم نیست ولی همینقدر میدانیم که پنجاههائی عظیم تر از آنچه امروز در کره ها

پیدا می‌شود پند آمدند و دنباله اش دشت و جلگه را نیز فرا گرفت . منطقه معتدله از جنگلهای بزرگ کاج و سرو پوشیده شد . حیوانات نازده در اروپا شروع به نشو و نما کردند از قبیل گاو میش و گوزن و گاو و اسب و خرس و شیر و کفتار و کرگدن و ماموت (فیل بلندقد) که پشمی انبوه داشته اند و گوزن شمالی که امروز جز در مناطق قطبی جای دیگر پیدا نمی‌شود ولی در آن دوره بقدری فراوان بوده که آن عصر را عهد گوزن شمالی خوانده اند .

چون درین دوره انسان ناچار شد از سر ما بغار پناه برد و بر سر آن با حیوانات درنده مجادله کند آنرا عهد غار نیز نامیده اند .

این عهد نیز هزاران سال طول کشید و دو طئی آن چندین دسته از نوع بشر که بیشتر استعداد داشتند در راه ترقی بسی پیش افتادند . سنگ چخماق تراشیده را مثل سابق بکار میبردند ولی رفته رفته آنرا با استادی و مهارت کاملتری تراش میدادند . بعلاوه کار کردن روی استخوان حیوانات و شاخ گوزن و دندان فیل را نیز آموختند و بدین ترقیب توانستند هر قسم حربه و آلات و ادوات مانند تبر و نوک تبر و نیزه و تیغه و خنجر و زوبین و افزاری که برای تراشیدن و سوراخ کردن بکار می‌رود حتی سوزنهای نازک بسازند و بمورد استعمال بگذارند .

در اواخر این دوره در منطقه معتدله و حدود خاک فرانسه مردمی زندگی میکردند که استعداد فوق العاده داشته اند و چون آثارشان در غارهای مادلن (۱) و کرمانیون (۲) (در دنی) پیدا شده علماء ایشان را مردم ماگدالن (۳) و کرمانیون نام نهاده اند .

این اشخاص نیز مانند سایر مردم عهد سنگ تراشیده باصید حیوانات و ماهی معیشت میکردند ولی کارگرانی ماهر بوده اند و در فن کار روی استخوان و عاج مقام عالی داشتند حتی در میانشان بعضی هنرمندان واقعی بوده که ترسیم و نقاشی و حجاری را نیکو میدانسته اند و در غارهای فرانسه و اسپانی آثار زیادی از کارهای ایشان نمایان است . کتبه حیوانات عصر خود را از قبیل ماموت و کرگدن و گاو میش

(۱) - MADELEINE (۲) - CRO-MAGNON (DORDOGNE) (۳) - MAGDALÉNIENS

و خرس و اسب و گراز و گرگ و آهو و گوزن فوق العاده دقیق و جاندار کشیده‌اند
هنرمندان این قوم در قسمت حرکات حیوانات هیچ دقیقه‌ای را از مد نظر دور
نداشته‌ولی در تصویر آدمی هیچگونه هنر و ضرافتی بخرج نداده‌اند.

عهد
کم کم باز آب و هوا تغییر کرده در منطقه معتدله ملایم شد
و حالت اعتدالی بخود گرفت که تا امروز هم دوام دارد. از
عده پنجاله‌ها کاشته شد. ماموت و گوزن راه نقاط شمالی را
دریغ گرفتند. انسان از غاریرون آمد و برای خود کلبه‌ای ترتیب داد درین عصر
چه بر سر مردم ماگدالن آمده است نمیدانیم.

مردم دیگری که شاید از آسیا آمده بودند در اروپا توطن اختیار نمودند.
این گروه تازه وارد از حیث هنرپسای مردم ماگدالن نرسیدند ولی راه بهره بردن
از خاک و حیوانات را بهتر میدانستند. بکشت حبوبات و مخصوصاً گندم آشنا
بودند و حاصلی را که بر میداشتند خرد کرده آردی مغذی ترتیب میدادند. کتف
میکاشتند و الیاف آنرا بافته پوشاک درست میکردند. سگ و اسب را اهلی کرده
بودند. گله‌های گوسفند و خوک و گاو نگاه میداشتند. خلاصه مردمی بزرگ
و شبان بودند.

این مردم گذشته از اینکه سنگ چخماق تراشیده را باز بکار میدزدند صیقل
دادن سنگ را نیز آموخته بودند و برای این مقصود آنرا بصخره‌ها مالیده میسائیدند.
باین ترتیب حربه‌هایی که از سنگ تراشیده ساخته میشد کم کم جای خود
را به تبرهای سنگی صیقلی داد. صنعت سنگ پیشرفت کلی کرد. محلی که سنگ
چخماق را از آنجا می‌آوردند درست در حکم معدن در آمد. سنگ تراش متعدده
احداث گردیده بمقدار عمده حربه و دست افزارهای جور بجور تهیه نمود مثلاً در
گران پرسی (۱) (در تورین) آثار سنگ تراشی وسیعی دیده شده که اختصاص
بساختن تیغه‌های بزرگی از چخماق داشته است.

درین دوره صنایع دیگری نیز بوجود آمد مثلاً گل رست را باشکالی چند در

(۱) - GRAND-PRESSIGNY

آورده می بخشد و باین وسیله ظروف سفالین و اسباب آرایش گوناگون ترتیب میدادند .

صنعت چون کارش باینجا کشید مولد تجارت گردید و بعد ها نیز رفته رفته دامنه آنرا وسیع تر کرد چنانکه تیغه های گران پر سین بی در تمام اروپای غربی رواج یافته در نقاط دور دست بفروش میرسید .

از این قرار بی نوع انسان چون بعهد سنگ صیقلی قدم گذاشت
شهر
از حال و حشیکری بدر آمده با گل و سر شاخه های درخت
در میان آب
کلبه ساخته در آن مأوی گزیده از مجموع کلبه های خود
دهکده ای ترتیب داده گردا گرد آنرا خندق یا حصار می نهد یا دیوار سنگی
کشیده بود و علاوه بر آن در نقاطی که بدریاچه بر خورده باین نظر که جایگاهش
مأمون تر باشد پایه های چوبی بیشماری در گل و لای فرو برده تنه های درخت
را بهم چسبانیده بفاصله یکی دودرع از سطح آب بر آن پایه ها سوار نموده سکوی
وسعی درست کرده آرامگاه خود را بر فراز آن قرار داده و بدین ترتیب شهرهایی
که شبیه آن امروز در شرق اقصی وجود دارد ساخته بود .

از این قبیل بلاد در حول و حوش کوه های آلپ بسیار بوده است .
دلمن
انسان ازمنه ما قبل تاریخ در اوانی که عهد سنگ صیقلی را
می پیموده آهری بر افراشته که تا امروز نیز بر پا و عبارت از
سنگها نیست تراشیده که بی ترتیب جابجا نصب گردیده و چون
در خاک پروتانی (۲) بحد وفور وجود دارد بزبان اهل آن محل بنام من هیر و دلمن
معروف شده است .

من هیر بسنگهای جسیمی اطلاق میشود که مانند ستونی بی شکل بر سر پای
ایستاده و معلوم نیست بچه کار میرفته . دلمن یا میز سنگی مقبره بوده و برای ساختن
آن چند سنگ را بر پای داشته و چند سنگ مسطح را بر روی آن میخوابانده اند .
دلمن و من هیر بالخاصه در فرانسه و انگلستان بسیار است ولی تقریباً در تمام

(۱) - DOLMENS ET MENHIRS (۲) - BRETAGNE

اروپا و افریقای شمالی و آسیا و حتی هندوستان و ژاپن نیز پیدا میشود.

فلزکاری در عصریکه سکنه حوالی فرانسه میز سنگی درست میکردند و میان آب شهر میساختند در مشرق زمین کشف مهمی در حال ظهور بود که مقدمه ایجاد بزرگترین صنایع دست بشر یعنی فن فلزکاری گردید.

کشف فلزکار مشکلی نبود زیرا مس و طلا اغلب در طبیعت بحال خلوص پیدا میشود و انسان نیز در وهله اول بوجود همین دو فلز پی برده است ولی کشف مهم هنگامی بوقوع پیوست که دیدند مس در آتش آب میشود و باین ترتیب بهر شکل مطلوب در میآید.

فن بیرون کشیدن فلز از سنگهایی که محنوی آن میباشد کاری بود که بعدها بشر آموخت.

طلا که پرتو و جلالتی نندبر دارد و فساد نمی پذیرد بزرگتری اختصاص یافت و مس برای ساختن حربه بکار رفت لکن از آنجا که مس چنانکه باید در کار دوام نمی آورد بنوع انسان باانتظار اختراع تازه نشسته باز حربه سنگی را بر سلاح مسی ترجیح داد تا اینکه معلوم شد که چون مس و قلع را آب کرده باهم ممزوج نمایند فلز تازه ای بدست میآید که بمراتب سخت تر است. از زمان کشف این فلز جدید که مفرغ نام دارد استعمال حربه و دست افزار فلزی بنهایت بسط یافت و در واقع عهد فلز از آن بپسند شروع شد.

با وجود این کمیابی قلع سبب تنگی دائره افزارهای مفرغی گردید و ناآنتیجبه باز مدتی گذشت و بازار سنگ تراشیده و صیقلی نشکست و در واقع صنعت سنگ روزی بکنی از جاه و مکان افتاد و رونق خود را بفلزکاری داد که راه استخراج آهن بدست آمد. سنگ آهن دار بمراتب بیشتر از مس است ولی کار کردن در آن مشکل تر میباشد.

بنابر این مقدمات عهد فلز به دوره متمایز قسمت میشود: عصر مس، عصر مفرغ، عصر آهن.

عهد فلز بتحقیق نمیتوان دانست که این چند کشف مهم کجا و کی وقوع پیدا کرده. آنچه محقق شده صنعت مس و مفرغ ابتداء در چهار پنج هزار سال قبل از میلاد در مشرق زمین بظهور پیوسته و از بدو تاریخ کلد و مصر در خاک این دو مملکت رواج داشته و بعدها کم کم در تمام سواحل بحر الروم انتشار یافته است. در خاک فرانسه آثار آن در حوالی دو هزار سال قبل از میلاد پیدا میشود. صنعت آهن خیلی دیرتر شروع شد باین معنی که ابتداء در شمال ایران و قفقاز به بوجود آمد و بعدها در حدود نهمصد قبل از میلاد در اروپای مرکزی در ممالک واقع در کنار رود دانوب پدیدار گردید.

از این قرار عهد فلز بالنسبه به بعضی از ملل مشرق مانند مردم کلد و مصر بازمنه تاریخی می افتد و بالنسبه بدیگران که سکنه فرانسه نیز از آن جمله محسوب اند در ازمنه ما قبل تاریخ واقع میشود.

تغییر انتشار اختراعات متوالیه بنی نوع انسان گاه از راه مبادلات تجارتنی صورت میگرفت و گاه در نتیجه تغییر مکان که عبارت از کوچ کردن از يك ناحیه و رحل اقامت افکندن در ناحیه دیگر باشد.

میتوان گفت که کره خاک از قدیم ترین ازمنه ما قبل تاریخ دائماً معرض تغییر نشیمن مردم بوده و هم بآسانی میتوان حدس زد که این حال را کدام علت اصلی پیش آورده است.

مردم عهد سنگ تراشیده که با شکار و صید ماهی معیشت میکردند نشیمن خود را تغییر میدادند تا شکار گاهی پر نعمت و آبی پر ماهی بدست بیاورند و البته آب و هوا نیز تغییر مسکن را محرکی قوی بوده است و اما در عهد سنگ صیقلی مردم فالاح و شبان درصدد جستجوی زمین حاصلخیز و مرتع پا کیزه برآمده راه میافتادند از يك جا خانمان بر گرفتار و در خانه و مأوای دیگران رخت گسترده البته بدون زرد و خورد سخت و آردین با سابقین صورت نمی بندد و هم بدین لحاظ میتوان

گفت که شاید در ازمنه ما قبل تاریخ بیش از ادوار تاریخی مبارزه و کشت و کشتار اتفاق افتاده باشد. در نتیجه این کشمکشها بسیاری از اقوام منقرض شدند یا طوق بندگی و فرمانبرداری دیگران را بگردن گرفتند ولی عاقبت این زدو خورد ها اغلب باینجا میکشید که غالب و مغلوب باهم مخلوط شده ملت واحدی میساختند که بیک زبان تکلم مینمود. از این قرار تاریخ دنباله سوانحی است که منجر باختلاط اقوام بیشماری گردیده و کیفیت آن امروز کاملاً بر ما مجهول میباشد.

II

آغاز تاریخ

تغییر
نشیمن در ازمنه
تاریخی

اقوام مختلفه در ازمنه تاریخی نیز دنباله تغییر نشیمن را از دست ندادند. این نقل و انتقال سلسله جنبان نمود و دارائی ملل متمدنه بود که نیگداشت دیگر طمع مردم وحشی آبی از جوش بیفتند.

از بدو ازمنه تاریخی تا میلاد مسیح چهار هزار سال طول کشید و در طی این مدت در مشرق زمین وهم در اروپا پشت سرهم مردم تازه ای در صحنه گیتی پدید آمده بخود نمائی پرداخته اند و در نتیجه گاهی شیرازه امپراطوری ها را برهم زده اند گاهی کاری از پیش نبرده عقب نشسته اند یا بنای خلطه و آمیزش را با مردم همان امپراطوریهما گذاشته از جنس آنها گردیده اند و گاهی هم خودشان شاووده امپراطوری جدیدی ریخته اند.

در میان این ملل اقوامی چند میباشند که چون مفتاح خطشان بدست آمده از گذارش احوالشان اطلاعات وافیه در دست است. این اقوام را از روی بعضی شباهتها که در زبانشان بوده بدو گروه اصلی قسمت کرده اند:

۱ - بنی حام و بنی سام که مقرشان از اوقیانوس اطلس تا خلیج فارس کشیده

شده و شامل بیابانهای وسیعی بوده که سرزمینهای حاصلخیز مصر و شام و بین النهرین
سر تا سر آنرا فرا گرفته است.

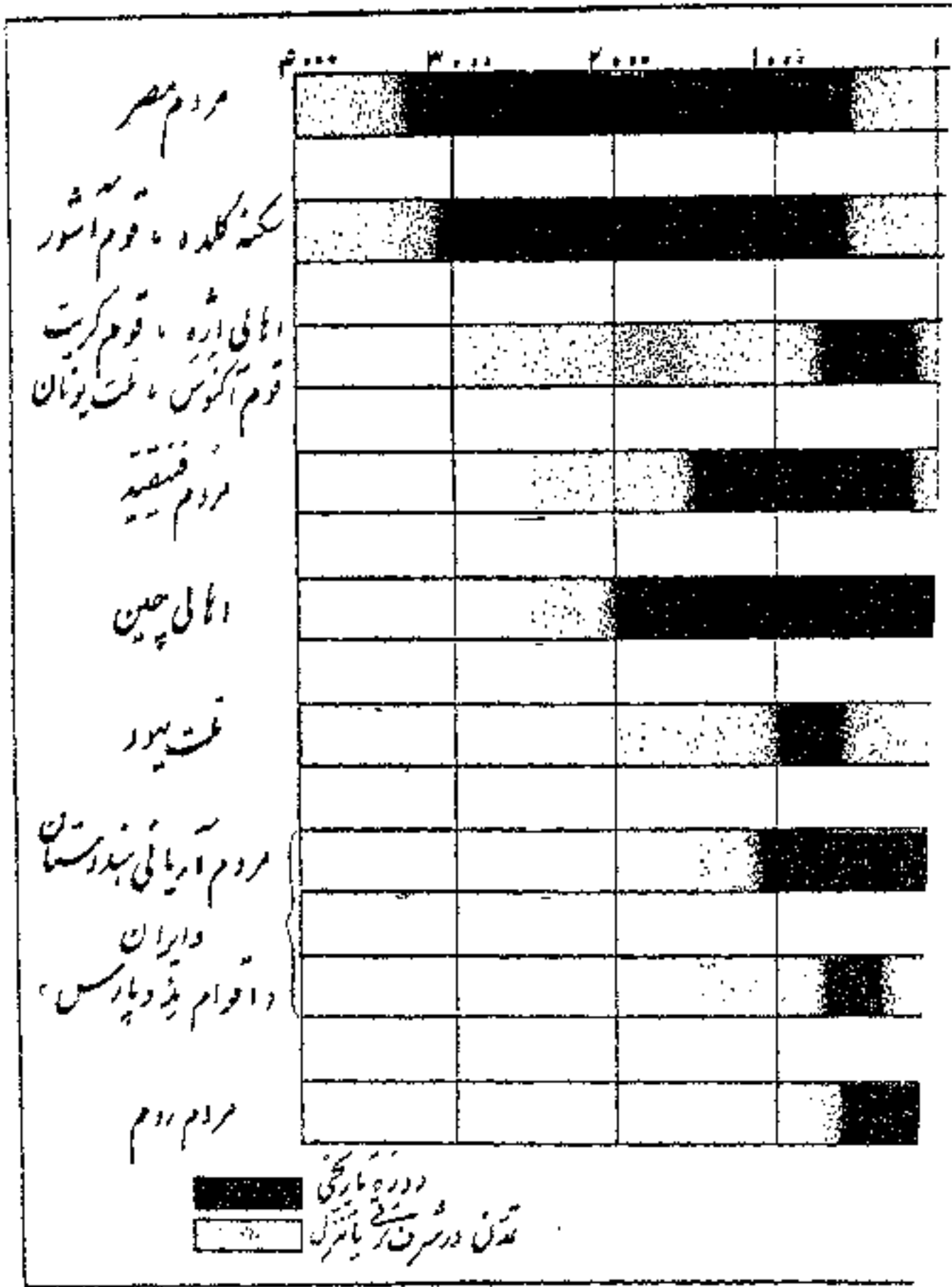
۲- اقوام آریین یا هند و اروپائی که در بدو امر در دشت روسیه یعنی بالادست
گروه اول قرار داشته اند.
این هر دو گروه از نژاد سفید بوده اند.

نخستین اقوامی که در مدنیت دنیا مقام بلندی را احراز
نموده اند از بنی سام و بنی حام بوده اند و آریین نژاد بعد
از ایشان نمودار گردیده اند.

ممالکی که پیش از دیگران امور خود را نظم و ترتیب داده اند شالوده شان
در حدود چهار هزار سال قبل از میلاد در مصر و بین النهرین ریخته شده و دنباله
تاریخشان تقریباً در ظرف سی و پنج قرن دوش بدوش آمده و تا حدود پانصد سال قبل
از میلاد دوام پیدا کرده و در طی این مدت از حیث کمال و جلال و استواری تمدن
بر همه سر بوده اند. غرض مردم مصر و کلد و آشور است که از نژاد بنی حام و
بنی سام بوده و هر يك دورانی داشته و امپراطوری نیرومندی تشکیل داده اند.
جزایری که در دریای اثره (۱) پراکنده است و همچنین جزیره کریت (۲)
کنون تمدن بسیار کهنه ای بوده که زمانش تا سه هزار سال قبل از میلاد کشیده میشود
ولی از تاریخ اقوامی که درین سرزمین سر و سامانی داشته اند هیچکس را اطلاعی
نیست. این سه کنون مدنیت نظر امم مجاور را بجانب خود متوجه ساخته منشأ
تغییر نشیمن ها و تاخت و تازها و کشمکشهایی گردید که از بس فراوان بوده ذکرش
در اینجا نمیگنجد ولی در خلال آن مردم فنیقیه و ملت یهود و قوم هین و اهالی
ایران و مردم روم ظهور کرده نام خود را در تاریخ تمدن ثبت نموده اند. از این مجموع
اهل فنیقیه و یهودیان از اقوام سامی بوده اند.

اهل فنیقیه را با احتمال میتوان کسانی دانست که از بین النهرین رانده شده و
در حدود دو هزار و هشتصد سال قبل از میلاد بسواحل شامات آمده در آنجا رحل

(۱) - EGÉE (۲) - CRÈTE



تفایده ادوار مدنی و تاریخ مستبرترین اقوام و نیای معلوم تا سیلاد مسیح

اقامت افکنده‌اند . ملت یهود پس از اینکه مکرر نشیمن خود را تغییر داد عاقبت در حدود هزار و چهار صد سال قبل از میلاد از مصر بفلستین آمده در آنجا متوطن گردید .
سکنه یونان و ایران و روم از اقوام آریین بوده اند .

از قرن پانزدهم تا قرن یازدهم قبل از میلاد آسیای صغیر و اروپای جنوبی مکرر معرض هجوم مللی چند گردید که از آن جمله قوم آکئوس و قوم دُرین و قوم ایتالیوت میباشد . سکنه یونان اعقاب دو دسته اول بوده اند و سکنه روم اولاد قوم ایتالیوت .

چون مدنیت اهالی جزایر دریای اژه و جزیره کریت زوال یافت مردم یونان در روی خرابه های آن تمدنی تازه ایجاد کردند که بر تمدن عموم ملل قدیمه تفوق یافت .

در همین اوان سکنه ایران از فلات خود سرانیز شده تمام خاک مشرق زمین را از آشور تا مصر بزیر نگین آورده با مردم یونان روبرو شدند ولی قوم هین پس از آنکه ایشان را واپس راند همالکشان را نیز از چنگشان بدر آورد .

چند قرن بمیلاد مسیح مانده بود که نوبت بمردم روم رسید و فرمان حکمرانی محالک کنار بحر الروم بنام ایشان تویع گردید .

مدنیت تمدن ملل قدیمه مشرق و یونان و روم از این لحاظ سزاوار است تحت مطالعه و ذقت مخصوص قرار گیرد تمدن امر و زمثابه جوانه ایست شرق اقصی که کم و بیش مستقیماً از کنار آن ریشه سر بر آورده و وجود اساسی خود را اغلب از آن اخذ کرده است . لکن نباید گمان برد که قبل از میلاد مسیح از این چند قطعه خاک که بگذریم سر ناسر دنیا را ظلمت فرا گرفته است زیرا در همان اوان تمدن قدیمتر در افطار دوردست مانند چین و هندوستان بسط یافته بود .
دنباله تمدن چین عالی الظاهر بس هزار سال قبل از میلاد میرسد و موجود آن قومی از نژاد زرد بوده که محتمل است در حدود دو هزار و پانصد سال قبل از مسیح از آسیای مروری بدانجا آمده باشد .

تمدن هند را از هندیست چین تازه تر دانسته‌اند. بلنی این تمدن مردمی سفید پوست و از نژاد آریین بوده‌اند که با اهالی ایران قرابت داشته و گویا در حدود ۱۱۰۰ قبل از میلاد از آن خاک بسمت هندوستان سرآزیر شده‌اند.

در قرن ششم و پنجم قبل از میلاد یعنی در زمانی که مردم ایران در مشرق زمین فرمانروائی داشته‌اند ساکیامونی (۱) شاهزاده هندی که بنام بودا شهرت یافت مذهبی آورد که در شرق اقصی امروز رواجی کامل دارد و بر سایر مذاهب پیشی گرفته است.

پند و اندرزی که کتفوسپوس (۲) دانشمند چینی آورده هنوز در چین مبنای علوم اخلاقی میباشد.

ضمناً باید گفت که اگر تمدن ملل قدیمه مشرق و یونان و روم عاقبت الامر همه خاموش شده هندیست چین و هندوستان تا کنون بر پای مانده و بهین جهت امروز قدیم ترین تمدن های دنیا شمرده میشود.

فصل اول

کشف مصر قدیم . مملکت و مردم مصر .

در میان تاریخی که از ملل دنیا در دست داریم تاریخ ملت مصر از همه قدیمتر میباشد زیرا وقایعی را ذکر میکنند که در زمانی دورتر از پنجهزار سال پیش واقع شده است . پی بردن بتاریخ مصر منوط بکشف هیروگلیف (۳) یعنی خط مردم قدیم آن سر زمین بود و این گره نخستین بار در ۱۸۲۲ بدست شامپولین (۴) فرانسوی گشوده شد . مصر مملکتی است گرم و خشک مانند صحرائی کبیر افریقا منتهی ببرکت طغیان نیل قابل کشت و زرع میگردد .
سکنه قدیم مصر با اهالی امروز شباهت داشته‌اند .

۱) - ÇAKYA-MOUNI ۲) - CONFUCIUS ۳) - HIÉROGLIPHES ۴) - CHAMPOLLION

کشف مصر قدیم

روایات تامائۀ نوزدهم از تاریخ مصر کسی چیزی نمیدانست جز آنچه نویسندگان قدیم یونان آورده بودند از قبیل هردت (۱) مورخ قدیمه در باب مصر که در مائۀ پنجم قبل از میلاد میزیسته و دیودر (۲) مورخ که از اهل سیسیل بوده و استرابون (۳) جغرافی دان که در مائۀ اول قبل از میلاد زندگی میکرده است.

هردت و استرابون شخصاً مصر را دیده و شروحنی که در باب اوضاع آن سرزمین بیادگار گذاشته اند با واقع مطابقت داشته و مطالعه آن امروز نیز سودمند تواند افتاد. هردت علاوه بر آنچه خود دیده از روحانیون مصر نیز هر چه راجع بتاریخ آن مملکت شنیده روایۀ بضبط آورده که بسیار دلپسند است ولی اغلب مبهم یا از حقیقت بسیار دور میباشد زیرا در آن مواقع خود مردم مصر نیز در خاطر نداشتند که دو سه هزار سال قبل چه بر سر ایشان آمده است مثلاً چنانکه هردت از قول روحانیون نقل میکند «منس» (۴) نخستین کسی است که دیهیم و اورنگ سلطنت مصر او را مسلم آمده. بدوران او جز سرزمین تب (۵) تمام خاک مصر صورت مرداب داشته و از زمان منس تا موقعیکه اریکه پادشاهی نصیب سظون (۶) نام گردیده یازده هزار و سیصد و چهل سال طول کشیده و هم در طی این دوره طولانی مطلق و مغرب خورشید چهار مرتبه تغییر یافته و من جمله دو بار از جایی برآمده که امروز در آنجا فرو میرود و دو دفعه در محلی افول کرده که امروز از آنجا سر میزنند. لکن با اینهمه هیچ تغییری در مصر رخ ننموده و در قوت خاک و طغیانهای رود نیل خللی راه نیافته و ناخوشی شیوع پیدا نکرده و تلفات زیاد نبوده است. «

باری چنانکه بحقیقت پیوسته چون مصر جمع آوری شده در قاهره حکومت واحد

(۱) - HÉRODOTE (۲) - DIODORE (۳) - STRABON (۴) - MÉNÉS
(۵) - THÈBES (۶) - SÉTHON

قرار گرفت نخستین پادشاهی که در آنجا فرمانروائی یافت متس بود و این نکته نیز مسلم میباشد که مصر سفلی مثلها حال مرداب داشته ولی این دوزمان را فاصله ای بس تنگ بوده است.

محقق است که تاریخ مصر از زمان سلطنت متس یازده هزار سال طول نکشیده و هم هیچکس باور نخواهد کرد که خورشید گاهی از مغرب سر بر زده یا در مشرق نقاب بر چهره پوشیده باشد.

روایات هر دو بهمین منوال اندکی حقیقت است که با داستانهای پادشاه پریان متزوج گردیده است.

یا این حال از آنچه سکنه قدیم مصر بر پا داشته و دست زمانه خرابش ساخته بود آثاری باقی مانده بود که با عظمت خود عموم سیاحان را بحیرت میانداخت و از این مجموع از همه معروفتر اهرام ثلاثه است که نزدیک قاهره قرار گرفته و دیگر معابدی که در وادی نیل ساخته شده و چون بسمت چشمه نیل متوجه شویم خرابه های آن در کنار دو دهکده گرنک و الاقصر پدیدار میباشد.

درین خرابه ها علاماتی هر موز نقر شده بود که هیرو گلیف نامیده میشد و این لغت بزبان یونانی بمعنی «خط مقدس» است. وقت کافی در آثار مصر قدیم و کتیبه های آن از ۱۷۹۸-۱۷۹۹ یعنی از موقع اردو کشی بوناپارت بآن مملکت شروع شد.

یکی از صاحب منصبان فرانسوی در نزدیکی شهر رزنت^(۱) کتیبه ای یافت که روی آن بسه خط چیزی نوشته بودند: یکی بخط یونانی که خواندن آنرا میدانستند و دومی دیگر بخط مصری که کسی نمیتوانست بخواند و از آن دو یکی هیرو گلیف بود. بسیاری از دانشمندان سعی کردند که با استعانت از متن یونانی هیرو گلیف را بخوانند ولی موفق نشدند. عاقبت شامپولین نام پروفیسور جوان فرانسوی در ۱۸۲۲ مسئله را حل کرد.

(۱) - ROSETTE



خرابه‌ای از ابدیه مصر در کَرْنَك که با خط هیرگلیف روی سنگهای آن نوشته اند.

ییش از او به تشخیص دانشمندان مقرر شده بود که بر روی لوح سنگی بیضی شکلی کلمه «بضامیوس» نقر شده است. شامپولیون این کلمه را تجزیه کرده معلوم نمود که هر يك از حروف P, T, O, L, M, I, S را با کدام شکل نمایانده اند. سپس بكمك این علامات بكشف كتیبه لوح های دیگر پرداخت و متوالیاً کلمات برنیس (۱) و کلئوپاتر (۲) و اسکندر (۳) را خواند و از این رو الفبائی مقدماتی ترتیب داد لیکن اینهمه برای خواندن هیروگلیف کافی نبود زیرا مبنایستی معنی کلمات خوانده شده را بدست آورد بنابراین لازم بود که بعد از الفباء صرف و نحو و فرهنگ ترتیب داد. شامپولیون در برابر هیچ اشکالی پس نکشید و بعلاوه در عنوان شهاب نیز زبان قبطنی را که پاره ای از مردم امروز مصر بدان تکلم مینمایند آموخته بود. از این رو ملتفت شد که این زبان را با زبانی که بخط هیروگلیف نوشته شده شباهت کثلی است و همین وسیله توانست چندین کتیبه را ترجمه کند و برای زبان مصر قدیم صرف و نحوی ترتیب بدهد.

شامپولیون که قوای خود را روی اینکار گذاشته بود مفتاح هیروگلیف را پیدا کرد ولی از کثرت زحمت در ۱۸۳۲ بدرود زندگانی گفت. در واقع شالوده معرفت مصر را که علم باحوال آثار قدیمه آن مملکت میباشد این دانشمند هوشیار ریخته است.

علم مصر شناسی در خلال مائه نوزدهم بسط غربی یافت زیرا کشف همه باین نکته برخوردند که این مملکت گنجینه های گرانبھائی در بردارد که از هزاران سال قبل در شکم خاک خوابیده است. مصر قدیم

مقابر پدشمارى که مردم قدیم مصر بجهت سلاطین و بزرگان خود در میان تخته سنگها ترتیب داده بودند پیدا شد و درین مقابر گاهى علاوه بر اجساد مومیائی شده مقدار زیادی اشیاء البیت مجلل نیز بدست میآید که برای رفع حاجت مرده در آنجا گذاشته بودند از قبیل تخت خواب و صندلی و ازبیه و ظروف و مجسمه و سلاح

(۱) - BÉRÉNICE (۲) - CLÉOPATRE (۳) - ALEXANDRE

و کتاب و جعبه جواهر و لو آرم بزرگ و حتی بازیچه . این کشفیات خارق العاده تا امروز دوام دارد چنانکه در ۱۹۲۳ از درون مقبره یکی از سلاطین اسباب و آئینه ای بیرون آمد که متجاوز از سه هزار سال دست نخورده مانده بود و چشم بیننده را خیره میکرد

این است مصر قدیم که گوئی در برابر ما زندگی از سر میگیرد .

خشت اول علم آثار قدیمه عصر را یک فرانسوی گذاشت ولی
توسعه آنرا باید بیشتر مرهون خدمات علمای دیگر فرانسوی
معرفت مصر دانست که جانشینان خلف شامپولین شمرده میشوند و از
این جمله معروفتر از همه ماریت (۱) (۱۸۸۱ - ۱۸۳۱) میباشد که در کار
کاوش بی بدیل بوده و معابد و مقابر بسیاری از زیر خاک بیرون آورده که
سراپئوم (۲) یکی از آنهاست و ماسپرو (۳) (۱۹۱۶ - ۱۸۴۶) که حفاریات
ماریت را دوام داده و تاریخ بزرگی از ملل قدیمه مشرق نوشته این علماء همه
مانند شامپولین با عزم راسخ دست بکار زده و تمام عمر خود را وقف مطالعه
شور انگیز آثار مصر قدیم کرده اند .

شامپولین در چهارده سالگی که شاگرد مدرسه گرونوبل بود بتحصیل زبان
قبطی مشغول گردید و ماسپرو در هفده سالگی که شاگرد مدرسه لوئی لوگران
بود خواندن و ترجمه کردن هیروگلیف را می آموخت چنانکه یکی از دانشمندان
علم مصر شناسی روزی بحال مزاح باو گفت : « یکبار که مرغ هیروگلیف متعار
خود را بند کرد تمام عمر شما را کفایت است »

II

مملکت و مردم مصر

مصر در شمال شرقی افریقا و در مجاورت آسیا قرار گرفته و بوسیله
مصر و نیل تنگه سویس با آسیا متصل میشود . این خاک را از شمال و مشرق

(۱) - MARIETTE

(۲) - SÉRAPÉUM - سراپئوم دختة عظیمی بود که گویا می پیدایشانی سفید [آبی] را در آنجا

(۳) - MASPERO

بخاک می سپرده اند

بحر الروم و بحر احمر و از مغرب و جنوب بیابانی خشک احاطه کرده است .
 تقریباً در مصر هیچ بارندگی نمیشود و آسمانش همیشه مانند آئینه صاف و نیلگون
 میباشد . در آب و هوا یکو بر می نماید زیرا شبس خنك است و آفتابش تند و سوزنده
 چنانکه اگر شطّ بزرگ نیل از آن نمی گذشت بواسطه فقدان باران بیابانی باثر
 و فلاتی وسیع شن زار و قفر بود این فلات را از شمال بجنوب دالانی تنگ و فرو
 رفته شکافته و دیوارهای سنگی سخت و بلند آن از پائین بشکل دورشته کوه نمودار
 میگردد . آنچه در جانب مغرب قرار گرفته سلسله ایبی (۱) و آنچه در مشرق است
 سلسله آرابی (۲) نامیده میشود .

رود نیل از جنوب می آید و پس از اینکه از آبشارهای شش گانه (شلاله)
 گذشت در این دالان تنگ می افتد .

نیل شطّ بزرگی است که سیزده هزار فرسنگ مکعب آب را در هر ثانیه می غلظاند
 و از این رو پنج مرتبه از رود سن پر آب تر میباشد .

نیل هر سال از اواسط خرداد تا اواسط آذر از مجرای خود بیرون آمده در روی
 زمین پهن میشود و بهر جا که برسد خاک را پر حاصل و با برکت میکند بنا برین
 هر دوت بحق گفته است که مصر نطفه ایست که نیل آورده زیرا مصر حاشیه ایست
 طولانی که در دو جانب نیل کشیده شده و تقریباً هزار کیلومتر طول دارد ولی
 حدّ وسط عرض آن فقط پانزده کیلومتر میباشد .

این دالان باریک چون بحوالی قاهره میرسد وسعت یافته دیواره های آن از
 یک دیگر دور میشود و زاویه های شبیه رقم (V) میسازد . این قسمت سابقاً خلیجی
 در بحر الروم بوده ولی رفته رفته از رسوبات هزاران ساله نیل پر شده و جایگه ای
 مثلث مانند بوجود آورده که دهانه های نیل و ساحل دریا اضلاع آنرا تشکیل
 میدهد و بمناسبت شباهت آن بحرف (د) یونانی از قدیم الا ایام دلتا (۳) نامیده
 شده است .

(۱) - LIBYQUE (۲) - ARABIQUE (۳) - DELTA Δ

جلگه وسیع دلتا را مصر سفلی و حاشیه تنگ و باریک را مصر علیا (صعيد مصر) نام نهاده اند.

طغیان نیل
مردم قدیم مصر از چشمه های نیل و دریاچه های استوائی که فاضل آب آن باین شطّ میریزد بیخبر بودند و نمی دانستند که در نقاط بعیده جنوب یازانهای و افری مرتب باریده شعب پر آب نیل را بوجود میآورد که از آنجمله در مغرب بحر الغزال است با مردابهایی دور و دراز و در مشرق سیات و نیل ازرق و عتبه که از کوه های آتشفشانی سر در هم حبشه سر ازیز میشود.

بدین لحاظ مردم مصر که می دیدند هر سال رود نیل بدون يك قطره باران بالا آمده از بستر خود سر ازیز میشود آنرا معبود خود قرار داده میگفتند اشك چشم ایزیس آلهه (۱) علت طغیان آن میباشد که در مرگ شوهرش ایزیس (۲) میگردد چون در مائه نوزدهم سر چشمه های نیل و بحر ای علیای آن کشف شد معمای طغیان نیز کاملاً حلّ گردید.

هر سال در ماه خرداد عرض رودخانه تقریباً نصف میشود و نیل بزحمت خود را در میان گد و لای میکشاند. بر اثر بادی که از جنوب میوزد و رحل همراه میآورد آنچه رستنی است حال سوخته را دارد. اما از اوایل تیرماه آب نیل رو بغزونی گذاشته رنگ نیلی زیبایی خود را از دست داده آبهایی میغلطاند که بسبزی میزند و غیر سالم و نگووار است. علت این بسبزی لجن و آبهای را که بحر الغزال میباشد. صد روزی که بر این حال بر آمد حجم نیل اخضر افزون میشود و یکبار دیگر رنگ آب بر میگردد و هر چند که مقداری خاک سرخ همراه دارد معذک بیضرر و گووارا میباشد و چنان میباشد که رودخانه شعی از خون است و درین حال نیل احمر خوانده میشود.

در اواخر تیرماه بند رسد هائی که رود را نگاهداشته می شکند آب در دشت افتاده پهن میشود و طبقه خاکی ته نشین میآید که بزمین قوت میدهد.

(۱) - ISIS (۲) - OSIRIS

درین موقع درّه ای که میان دورشته کوه قرار گرفته آب گل آلودش در برابر اشعه خورشید تلاطمی دارد. آبادیها که بر فراز بلندبها ساخته شده و گرداگردش را نخل گرفته بوسیله راه هائی نیره رنگ بهم وصل گردیده و جزیره مانند بر روی آب ایستاده است.

در ماه مرداد و شهریور طغیان نیل باعلی درجه میرسد و از آن پس خرده خرده فروکش کرده تا در ماه آذر داخل بحر ای طبیعی خود میگردد و موقع بذرافشائی پدید میآید و بفاصله چهار ماه هنگام درو میرسد.

ادوار مختلفه زندگی مصر را عمرو (۱) فاتح عرب باین عبارت خلاصه کرده است: «مصر يك روز زمینی پر گرد و خاک است يك روز دریائی از آب شیرین و يك روز باغچه ای از گل و ریاحین»

طغیان نیل گوئی عید طبیعت است که برفص و طرب در آمده. همینکه آب لبریز شد انسان و حیوان انبساط و انعاشی حاصل میکنند. زمین و زمان بجنبش میآید. همه چیز زندگی از سر میگیرد.

سرودی کهنه در حمد و ثنای نیل بدست آمده که در ستایش خیرات و برکات آن چنین میگوید: «سلام باد بر تو ای رود نیل که این خاک را بوجود خود آراستی و با قدم مینمت لزوم خویش حیات را بمصر ارزانی داشتی. توئی که سر ناسر این سرزمین را سیراب میکنی ای خالق حبه و پروردگار ماهی و خداوند گندم و رویاننده جو... آب نیل چون بزونی گراید زمین فریاد شعف بر میآورد. مردم بوجد میآیند. هریشتی از خنده تکان میخورد و هر دندانی دندان گیر پیدا میکند. نیل اطعمه لذیذ میآورد و هم این خداوند غذای مرشوب و گزیده ترتیب میدهد. در آب را علوفه می بخشد و برای عموم خداوندان قرینتی می پرورد. نیل چون مصر علیا و سفلی را فرا میگیرد انبارها از غله پر میشود و مخازن داسقف میروند و دارائی فقرا فرونی میگیرد و همه کس را فراغ بان نصیب میگردد. اگر

(۱) - AMROC

نیل یکبار خوراك دادن را فراموش کند سعادت خانه ها را ترك ميگويد . ضعف و بی قوتی پشت زمین را ميگیرد . برای نیل هیکل نمی تراشند و هدیه نمی آورند و با عبارات مغلق او را نمی ستایند و جای او کجاست نمی دانند . با اینهمه فرزندان تو خلف عن سلف خوشحال اند که تو چون پادشاهی حکومت میکنی که فرمانش در تمام زمین ساری و نافذ است . در چشم کسی اشك نگذاشته و در خوبی و نیکوکاری کار را با فراط رسانیده . *

اراضي زراعتی و مسکونی مصر من جميع الجهات از سی هزار
 کیلو متر مربع تجاوز نمی نماید و این مقدار تقریباً همان مساحت
 معاش مردم سطح بلژیک است . درین مختصر خاک که کمتر از وسعت پنج
 ایالت فرانسه میباشد امروز سیزده ملیون سکنه زندگی میکند و باین حساب بهر
 کیلومتر مربع چهارصد نفر می افتد در صورتیکه در بلژیک سهم هر کیلومتر مربع
 ۲۵۰ نفر است .

بیقین میتوان گفت که در اعصار قدیمه جمعیت مصر از امروز کمتر نبوده ولی
 عدّه نفوس هرچه هم که فزونی داشته بیرکت يك ضبقه گل پر قوتی که در اوان
 طغیان نیل روی زمین می نشسته مردم معاش خود را بآسانی تحصیل میکردند .
 غالب اوقات زمین را شیار نکرده بندر را کیفما اتفق می افشاندند و پس از آن
 چهار پایان را در مزارع رها میکردند تا پای کوبان تخم را بدرون خاک رسوبی
 فرو برد و بین ترتیب تقریباً بدون احتیاج به هیچگونه زحمتی حاصل بر میداشتند .
 حاصل مصر گندم و جو و قسمی ارزن و از بقولات لوبیا و باقلا و خلر و عدس
 بود . هر جا که آب نیل بخودی خود نمیرسید آب دستی میدادند و باغ و بستانهائی
 سر می انداختند که در آنجا انجیر و زرد آلو رسته سر در کنار تارك میگذاشت .
 درخت کمداب بود و فقط بندرت جمیز و اقاقیا پیدا میشد ولی نخل همه جا
 قد بر افراشته سایه مختصری میگسزد .

برکه و مردابهایی که طغیان نیل پس از بازگشت میگذاشت پر از نباتاتی

میستند که آب را خوش دارند و از آنجمله دوتا حائز اهمیتی خاص است یکی پایروس که عبری بردی گویند و از پوست ساقه آن کاغذی بسیار محکم میساختند و دیگر لوتوس یا باقلای قبطی که دانه های آنرا میخورند و گل آنرا هنرمندان مصری در تزیینات و نازک کاری سرمشق قرار میدادند.

عده حیوانات وحشی که ابتداء این خاک را در قبضه خود داشتند و بعدها اهالی مصر بریگستانشان رانده و بشکارشان میرفتند بسیار بود از قبیل شیرو پلنگ و کفتار و شغال و مرال و غزال.

کنار نیل جایگاه نهنگ و اسب آبی بود. بعلاوه رود و برکه های اطراف ماهی خوراکی بسیار پرورش میداد. در آنها طیور آبی و مرغ ماهی خوار و یک قسم مرغابی نشوونما میکرد موسوم به ایبیس که منقاری دراز و پرو بالی سفید و سری سیاه دارد. غاز و مرغابی درخانه ها و فوار داشت حیوانات اهلی مصر منحصر به گاوی بود با شاخهای بلند و گوسفند و بز و سگ و خر. در اوایل امر اسب نداشتند و بعدها هم که از آسیا آوردند نمونه مشخص قرار دادند.

این مردمی که قبل از همه اقوام بتمدنی عالی رسیده اند از کجا آمده اند؟ میتوان گفت که این مطلب تقریباً هیچ جواب ندارد. مردم مصر از قدیم در کنار رود نیل افتاده اند و رفته رفته همانجا شالوده تمدن خود را در ازمنه ماقبل تاریخ ریخته اند. این قوم با اینکه رنگشان را خورشید بسرخس برگرده اند بود شاخه از نژاد سفید و از اقوامی بودند که علماء در تحت نام بنی حام ذکرشان را آورده اند و اغلب اقوامی هم که در عصر خود ما در افریقای شمالی و نوبه و طوارق و بربر جای گرفته اند از همین گروه میباشند. اجساد مومیائی شده و مجسمه هائی که در مقابر پیدا کرده اند و تصاویری که در نقوش برجسته ایتیه قدیمه کشیده اند همه نشان میدهد که مردم قدیم مصر شباهت ناشی بنفلاحین امروز آن مملکت داشته اند. در ضمن کاوشهای ماریت فرانسوی روزی مجسمه ای بدست آمد که یکی از معروفترین آثار هنر نمائی مصر شناخته شد.

مردم
مصر

بمحض اینکه چشم کارگران بر این مجسمه افتاد فریاد بر آوردند که «اینک شیخ البلد»
زرا بنظر ایشان شباهت کامل بود .

مردم مصر عادهً بلند بالا و از کمر بیابین لاغر اندام بوده اند . کپلی باریک و
ساقی دقیق و کتفین کشیده و پر و پیدشانی و بینی کوتاه و چشمان درشت و گشاده
و لبهای ضخیم و هیبتی دلپذیر داشته اند .

این قیافه زیبا در سرشت نیکوی ایشان نیز عیناً نمودار بود . مصری عادهً صبورو
بردبار و مطیع ارباب و بیفکد و آدمی خوب و بسیار سر بخانه بوده است در مصر
بر خلاف آنچه در شرق و اوج کلی دارد زن را احترام مینمودند زن آزاد بوده و رو بند
نداشته . احترام مادر و محبت داشتن بوی نخستین وظیفه مقدس افراد شمرده میشده
دانشمندی مصری به پسر خود میگفت که : « ترا خداوند بهادر کرامت فرمود . و
از دقیقه اول که متولد شدی مادرت به بندگی تو کمر بست . هیچ زنج و زحمتی آن قدر
بر او گران نیامد که بگوید اینهمه مرا زت چه ضرور . در او انی که بمدرسه میرفتی
تا دانش آموزی او نان و آب جو آورده در کنار معلمت می نشست . اکنون که
صاحب خانه و زندگی میشوی مواظبتهائی را که مادرت در بازه تو روا داشته همیشه
باید منظور نظر بداری تا او را برسد که سرزنش تو کند و دستش را بسوی آسمان
بلند نماید که خدا دعای مادر را مستجاب میکند . »

زندگانی . بمقتضای آب و هوای مصر که مدام گرم و خشک است عادات

و رسوم اهالی آن بسیار ساده میباشد .

مسکن ، پوشاک . عوام الناس بقدر قلیل می ساختند و قوت غالبشان نانی

بود که از قسمی ارزن (دوره) ترتیب داده زیر خنجره می پختند . در اطاقهای
چهار گوش بسر میبردند که از تائیده خانه چندان چیزی نداشت . از گاهگل خشت
زده و با آن خانه بنا میکردند . سقف را کوتاه میکردند و بام را مسطح و از
برگ نخال میساختند . منزل معمولین راحت تر و شبیه بنخاند های امروز عرب بود
نطاقه . جز بخلاف داخلی روزن نداشت .